هوالله - ای يار مهربان البتّه بلايای وارده و تعرّضات…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ١١٨

### هوالله

ای يار مهربان البتّه بلايای وارده و تعرّضات شديده به عبدالبهاء را شنيديد که ميدانيد که پيش تقرّب جناب اخوی آقا ميرزا بديع‌اللّه جميع راهها صاف و هموار شده بود و فی‌الجمله راحت فکر و جسم حاصل گرديده بود حضرات را نه از ما خبری و ما را نيز با آنان اختلاط و اثری شب و روز مشغول به دعا و مناجات و خدمات آستان ربّ الآيات بوديم و فی‌الجمله به فراغت خدمت ميکرديم و در حقّ جميع دعا مينموديم و از هر ذکری جز ذکر حقّ بيزار بوديم و قدری فرح روحانی حاصل بود جناب اخوی الفت خواست محبّت کرديم و در کمال صدق به خدمت او پرداختيم و به قدر مقدور شما شاهديد که قصور واقع نشد ولی گويا معاشرت و مخالطه دائمی شبانه روز او عبدالبهاء را مانند مقناطيس جاذب بلايا و محن و رزايا بود از آن روز تا يوم انفصال به جان عزيز آن يار مهربان نفسی به راحت جان نکشيدم و دمی فراغت نيافتم و از خدمت باز ماندم زيرا مشغول ميکرد و اين درد دل است که از برای آن دوست ديرين مينمايم که در اين غم و غصّه شريک و سهيم من باشد حتّی اقتران آقا ميرزا بديع‌اللّه به جهت آن جناب نيز قران شديد بود تفکّر فرمائيد از آن روز تا به حال امور مشوّش ابداً راحت نيافتيد چه از جهت صحّت جسم و چه از جهت امور سائره. از خدا خواهم که من بعد مبدّل گردد و اسباب راحت دل و جان از هر جهت ميسّر شود جميع دوستان راتحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد\*\*.\*\* ع ع

